



Analysis of the content of the agreement prohibiting the sale of slaves between Iran and England in the Persian Gulf region (11 Rabi al-Thani 1299/2 March 1882. AD)

Hamid Hajianpour ¹  Ali Bahrani-pour ^{2✉}  Seyedah Zahra Zarei ³ 

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Shiraz University, Fars, Iran. Email: hamidhajianpour@shirazu.ac.ir

2. (Corresponding Author Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Khuzestan, Iran. Email: a.bahrani-pour@scu.ac.ir)

3. PhD in Iranian Islamic History, Faculty of Literature and Human Sciences, Shiraz University, Fars, Iran. Email: z.zarei88@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 25June2023

Received in revised

form: 14Nove2023

Accepted: 1Dece2023

Publishedonline: 5Janu2024

Key word :

Iran,

Qajar era

Persian Gulf

Great Britain,

slave trade

The treaty between Iran and England,

Prohibition of slavery.

Various historical events in the history of Europe became the grounds for the emergence of anti-slavery thoughts and the signing of such treaties, which are not included in this article. However, the "Agreement between Iran and England regarding the cessation of the slave trade" was signed on 11 Rabi al-Thani 1299, equal to 2 March 1882, by Mirza Saeed Khan, the foreign minister of Iran at the time, and Ronald Thomson, the British consul in Tehran, which is the subject of this research. The document's text is written in four pages and four chapters. In appearance, this decree shows two equal governments. But from the comparison of the two English and Persian versions of this treaty, it is possible to come across significant differences this article aims to find these differences with the analytical-descriptive method with the content analysis approach. The findings of the research indicate that the difference in the tone of the two versions of the contract is the result of the mistake or intentionality of the translator or anonymous translators; As the Persian version shows a more moderate tone and a more equal relationship between the two courts of Iran and England. But its English text shows a colonialist and British superiority-seeking approach towards Iran. Therefore, this document should be counted among the British colonial documents and privileges from Iran.

Cite this article: **Hajianpour, Hamid & Bahrani-pour, Ali & Zarei, Seyedah Zahra (2023). Analysis of the content of the agreement prohibiting the sale of slaves between Iran and England in the Persian Gulf region (11 Rabi al-Thani 1299/2 March 1882. AD)**

. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.33 Pages :53-74




DOI. 10.22111/JHR.2021.34079.2765



© The Author: **Hamid Hajianpour & Ali Bahrani-pour & Seyedah Zahra Zarei**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan



تحلیل محتوای قرارنامه منع برده فروشی بین ایران و انگلیس در منطقه خلیج فارس (۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ / ۲ مارس ۱۸۸۲ م)

حمید حاجیان پور^۱  علی بحرانی پور^۲  سیده زهرا زارعی^۳ 

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران رایانامه: hamidhajianpour@shirazu.ac.ir
۲. (نویسنده مسئول) دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، خوزستان، ایران رایانامه: a.bahranipour@scu.ac.i
۳. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران رایانامه: z.zarei88@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

وقایع تاریخی متنوعی در تاریخ اروپا زمینه‌های ظهور افکار ضد برده‌داری و امضای چنین معاهداتی شد که در این مقاله نمی‌گنجد. اما "قرارنامه میان ایران و انگلیس در باب ترک عمل برده‌فروشی" در تاریخ ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ برابر با ۲ مارس ۱۸۸۲، توسط میرزا سعید خان وزیر خارجه وقت ایران و رونالد تامسن کنسول انگلیس در تهران امضا شد که موضوع تحقیق حاضر است. متن سند مورد اشاره در چهار صفحه و چهار فصل نوشته شده است. این قرارنامه در ظاهر دو دولت برابر را نشان می‌دهد. اما از مقایسه دو نسخه انگلیسی و فارسی این معاهده، می‌توان به تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برخورد که خواست مقاله حاضر یافت این تفاوت‌ها با روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد تحلیل محتوا است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفاوت در لحن دو نسخه قرارداد حاصل خطا یا غرض‌ورزی مترجم یا مترجمان گمنام آن است؛ چنانکه نسخه فارسی لحنی معتدل‌تر و رابطه‌ای برابرتر میان دو دربار ایران و انگلستان را نشان می‌دهد. اما متن انگلیسی آن دارای رویکردی استعماری و برتری‌جویانه انگلیس نسبت به ایران نشان می‌دهد. از این رو این سند را می‌بایست از جمله اسناد و امتیازات استعماری انگلیس از ایران برشمرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

واژه‌های کلیدی:

ایران،

دوره قاجاریه،

خلیج فارس

بریتانیای کبیر،

تجارت برده،

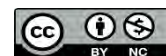
معاهده ایران و انگلیس،

منع برده‌داری.

استناد: حاجیان پور، حمید و بحرانی پور، علی و زارعی، سیده زهرا (۱۴۰۲) تحلیل محتوایی قرارنامه منع برده فروشی بین ایران و انگلیس در منطقه

خلیج فارس (۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ / ۲ مارس ۱۸۸۲ م)، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۳۳، ص ۵۳-۷۴.

DOI. 10.22111/JHR.2021.34079.2765



© نویسندگان . حمید حاجیان پور و علی بحرانی پور و سیده زهرا زارعی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

سابقه تلاش برای منع برده‌داری به روزگار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق) بازمی‌گردد. در آن دوران خلیج فارس تبدیل به صحنه رقابت‌های استعماری و تجاری فرانسه و انگلستان شد. چنانکه فرانسه تلاش می‌کرد تا به ایران و مسقط نزدیک شود. از سوی دیگر انگلستان برای نفوذ در ناحیه راس خلیج فارس، نمایندگی کمپانی هند شرقی در بصره را تاسیس کرد و میرزا مهدی علی خان بهادر به عنوان مجری سیاست‌های انگلستان در بوشهر مقیم شد. او ماموریت داشت با امام مسقط مذاکره کند و ارتباطات تجاری او با فرانسه را بر هم زند. در سال ۱۲۳۸ ه.ق / ۱۸۲۲ م. تجارت برده طبق قرارداد مورسبای در قلمرو سید سعید ابن سلطان (آل بوسعید در عمان و زنگبار) ممنوع شد و به دنبال آن در سال ۱۲۵۴ ه.ق / ۱۸۳۸ م مقرر شد کشتی‌های عمانی در صورت حمل برده توقیف شوند. در طی سال‌های حکمرانی محمد شاه قاجار ۱۲۵۰-۱۲۶۴ م معاهده‌ای مبنی بر لغو تجارت برده با انگلستان امضا شد. سپس در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م معاهده‌ای دیگر در باب لغو برده در خلیج فارس با انگلستان منعقد شد. از سوی دیگر، در اوایل قرن نوزدهم هیئت‌های سیاسی متعددی از سوی ممالک اروپایی به دربار ایران اعزام شدند و به بهانه حفظ آسایش و امنیت شروع به مداخله در امور ایالات و امارت نشین‌های خلیج فارس کردند. آنان به تدریج زمینه‌های نفوذ و گسترش سیاسی خود را فراهم کردند که نتیجه آن رقابت و کشمکش میان آن دولت‌ها بود. دولت انگلستان برای حفظ منافع تجاری خود درصدد برقراری رابطه با ایران بود. کرزن در این زمینه نوشته است: «حتی در نظر کسانی که راجع به سیاست امپراتوری توجه کافی ندارند نیک عیان بوده است که ایران سرزمینی است که بازار وسیع و سودآوری برای تجارت انگلستان و فروش فرآورده‌های هندی و انگلیسی است و هرگاه از جهت مالی محض نیز ملاحظه شود تفاهم شایسته‌ای با شهریار ایران بیش از اندازه مطلوب خواهد بود». (کرزن، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۸-۱۹)

تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که متن قرارنامه ترک عمل برده‌فروشی چه نوع مناسبت و رابطه‌ای میان دو حکومت ایران (قاجار) و انگلستان را نشان می‌دهد؟ فرضیه حاکی از آن است که لحن و محتوای قرارنامه مذکور آمرانه و حاکی از دخالت استعمارگرانه در امور داخلی ایران و حتی به رسمیت نشناختن کارگزاران و صاحب منصبان ایرانی بوده است.

پیشینه پژوهش حاضر شامل آثاری اعم از کتب و مقالات ذیل است:

در میان مطالعات موجود، مقاله سلمان قاسمیان با عنوان «انگلستان و اهداف منع تجارت برده در خلیج فارس» یکی از نزدیکترین تحقیقات به مقاله حاضر است که تفاوتش در پرداختن به اهداف منع تجارت برده است. پژوهش دیگری نیز موجود است که توسط موریس لانژه با عنوان، بردگی، (۱۳۴۱) به رشته تحریر درآمده است که عموماً تحقیقی عام در باب برده داری بشمار می‌آید. غلامرضا طباطبایی نیز مقاله ای دارد با عنوان " معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، نامه مورخ ربیع الاول ۱۲۶۸ق، مکاتبات ۱۲۷۳-۱۲۷۶، صندوق ۸ " این نوشتار هم به طور کلی به بسیاری از معاهدات عهد قاجار می‌پردازد، و در ذیل آنها اشاراتی هم به سند مورد توجه این مقاله دارد. لیکن مقاله حاضر مطالعه ای موردی و روش‌مند درباره یک سند اختصاصی است.

افزون بر این کتاب جی. بی. کلی با عنوان "بریتانیا و خلیج فارس" نیز برای بررسی کلی پیش‌زمینه‌های تاریخی بحث حاضر مفید است. وحید شاهسورانی هم در مقاله‌ای با عنوان «نقش خلیج فارس در تجارت برده و برده‌فروشی در دوره قاجار (با تکیه منابع و اسناد مکتوب)» تلاش کرده است تا به تاریخ برده داری در حوزه خلیج فارس بپردازد و طبعه می‌تواند در زمینه تاریخی رواج برده داری اطلاعات مفیدی ارائه دهد. نرگس علیپور نیز مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تجارت غلامان و کنیزان آفریقایی در عصر قاجار» دارد که در کنار مقاله آمنه ابراهیمی با عنوان «مواضع اولیه ایران و انگلیس در برابر مسئله لغو تجارت برده در خلیج فارس (دوران محمد شاه قاجار ۱۲۵۰-۱۲۶۴ قمری)» می‌توانند اطلاعات کلی درباره اولین تلاش‌های انگلستان برای لغو بردگی در دوران محمد شاه قاجار و رفت و آمدهای سیاسی در این باب ارائه دهند. در واقع موضوع مقاله اخیر در بردارنده دیگر قرارنامه‌های ترک تجارت برده بین انگلستان و ایران (قبل از تاریخ ۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م.) است که مفاد آن در

قرارنامه ۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۲ م. از درجه اعتبار ساقط شده بود. حمید صادقی و معصومه حسینی هم در مقاله‌ای مشترک با عنوان "دغدغه‌های انسانی یا تلاش در جهت بسط نفوذ سیاسی: نگرشی بر تلاش‌های انگلستان در جهت مبارزه با برده‌داری در خلیج فارس" دارد که تمام تلاش نویسنده تشریح اهداف انگلستان در مبارزه با برده‌داری در خلیج فارس است؛ اما مقاله حاضر مطالعه‌ای موردی در باب تحلیل محتوای یکی از اسناد مربوط به منع برداری است.

غلامحسین زرگری نژاد، هم در مقاله "کنکاوی در منابع تأمین غلام و کنیز در عصر قاجار" به منابع و سرزمین‌های مختلف تأمین برده پرداخته است. *یدالله نیازمند شی‌رازی* نیز کتابی دارد در باب تاریخ بردگی؛ وی در این کتاب متن قرارنامه ترک تجارت برده بین ایران و انگلستان را به تاریخ دوم مارس ۱۸۸۲ م. آورده است و از سویی داوری و تحلیلی در باب این معاهده ارائه نداده است.

زهرا مروتی هم مقاله‌ای تحت عنوان «منع تجارت برده در خلیج فارس عصر ناصری» تألیف کرده است. وی نیز به صورت خلاصه و فهرست‌وار عوامل رشد تجارت برده و کارکرد آنان را متذکر شده است. اما با توجه به اینکه این مقاله دربرگیرنده منع تجارت برده در زمان ناصرالدین شاه است، اشاره‌ای به سند مذکور ندارد. حمید ژیان‌پور هم مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اسناد کمک‌های مالی آستان قدس رضوی به زائران ایرانی در دوره قاجار با استفاده از روش تحلیل محتوا بازه زمانی (۱۲۶۴ تا پایان ۱۳۰۰ ق)» تألیف کرده است که تنها شباهت کار ایشان با مقاله حاضر استفاده از روش تحلیل محتوا است.

روش تحقیق: در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش تحقیق تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با الگوی نظری تحلیل محتوا^۱، مسأله تحقیق و سوالات مطرح بررسی شود. از آنجا که در روش تحلیل محتوا سند زیر سوال می‌رود.^۲ در این نوشتار با استعانت از آن متن سند بازخوانی و تجریه تحلیل خواهد شد.

سابقه متون مربوط به لغو برده‌داری

تاریخ میلادی	عنوان قرارداد	طرفین	نتیجه	منبع
۱۷۷۲	قانون منسفیلد	انگلستان ن	«هر بنده به محض ورود به خاک انگلستان به حکم قانون آزاد خواهد بود»	نیازمند، ۱۳۳۰: ۱۴۹
۱۷۸۵	تلاش دانشگاه کمبریج برای لغو برده‌فروشی	انگلستان	تالیف کتاب ^۲ در مذمت و رد برده‌فروشی	همانجا
(۱۷۰۹- ۱۷۸۴)	تلاش دانشمندی چون دکتر جانسون در رد برده‌فروشی	انگلستان	مبارزه با برده‌فروشی	همان، ۱۵۰
۱۷۲۳- ۱۷۹۰	آدام اسمیت	انگلستان	مبارزه با برده‌فروشی	همان، ۱۵۱
۱۸۰۷	تلاش‌های ویلیام فورس و پیت صدراعظم انگلستان	انگلستان	فرمان لغو برده‌فروشی	همانجا
۱۸۱۱		انگلستان	تجارت برده به طور کلی ممنوع و مجازات آن تبعید و نفی بلد تعیین شد	همان، ۱۵۲
۱۸۱۵	دولت‌های شرکت کننده در کنگره وین	اتریش	برای موافقت در الغاء بردگی تصمیماتی اتخاذ کردند	همانجا
۱۸۲۰- ۱۸۱۹	قرار داد صلح عمومی با قواسم ^۴			
۱۸۲۲	قرارداد مورسبای		فروش برده به کشتی‌های فرانسوی، پرتغالی و امریکایی و به طور کلی مسیحیان توسط سلطان سید سعید در افریقای شرقی و عمان ممنوع شد	کلی، ۱۳۸۰، ۶۶-۶۱
۱۸۳۳	پارلمان انگلستان		این پارلمان حق مالکیت برده را در سراسر انگلستان ملغی و پنج سال آزادی بردگان را اعلام کردند و برده‌فروشی در حکم دزدی و راه‌زنی دریایی قلمداد شد و در دریا کشتی‌ها را برای جلوگیری از حمل برده بازرسی می‌کردند	نیازمند، ۱۳۳۰: ۱۵۲
۱۸۳۸	قرار داد «خط بازدارنده مورسبای» بین انگلستان و عمان		قراردادی بازرگانی با ۱۴ ماده، که ۳ ماده آن بر تجارت برده تمرکز داشت. این قرارداد امام مسقط را ملزم می‌کرد تا کشتی‌های حمل برده را مصادره کند	Miles, 1966/2:341- 342
۱۸۴۱	پیشنهاد مکنیل نماینده دولت انگلستان، به دولتمردان ایران در مورد لغو تجارت برده			
۱۸۴۸	لغو برده داری از سوی دولت فرانسه	فرانسه	تاسیس موسسه چهارات تفتیشیه در ساحل غربی آفریقا توسط فرانسه و شکستن انحصار انگلستان در این زمینه	نیازمند، ۱۳۳۰: ۱۴۰
۱۸۴۸	ایران (محمد شاه) و انگلستان	طهران	به موجب این قرارداد ورود و صدور برده به خاک ایران از راه دریا ممنوع شد	

			صدور فرمان توسط سلطان عثمانی مبنی بر عدم دخالت جهازات تجاری در تجارت برده	۱۸۴۸
	حق توقیف جهازات ایرانی حامل برده و تنبه متخلفین به فرمان ناصرالدین شاه		ایران (ناصرالدین شاه) و انگلستان	۱۸۵۱
مارتین، ۱۳۹۰، ۱۹۹-۲۰۰	طبق این قرارداد دولت انگلستان به مدت یازده سال اجازه یافت که جهازات ایرانی حامل برده را توقیف و به طور موقت بازداشت کند. اما مسئولیت تنبیه متخلفین با دولت ایران بود	طهران	ایران (امیرکبیر) و انگلستان	۱۸۵۱
ویلسون، ۱۳۱۰، ۱۸۸	قرار داد ۱۸۵۱. م به مدت ده سال تمدید شد	پاریس	انقصاد صلح ایران و انگلستان	۱۸۵۶
همان، ۱۹۱	به موجب این قرارداد کشتی جنگی انگلیسی به نام لندن مامور سواحل زنگبار شدند تا ظاهرا از صدور برده جلوگیری کند	انگلستان	تشکیل کمیته‌ای به رهبری سربرار تل فرر از طرف مجلس عوام انگلستان	۱۸۷۱
کرزن، ۱۳۸۰: ۲/ ۵۲۵	تقویت و تأیید قراردادهای پیشین راجع به جلوگیری از تجارت برده و بستن تمام بازارهای برده‌فروشی در قلمرو او، و آزاد کردن همه بردگان حوزه حکومت وی		امضای معاهده بین سربرار تل فرر و سید ترکی	۱۸۷۳
ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۹۱-۱۹۲	رواج مجدد برده‌فروشی		کشتی‌های لندن زنگبار را ترک کردند	اوایل ۱۸۸۰
	منع تجارت برده توسط دولت عثمانی		انگلستان و عثمانی	۱۸۰۰
همان، ۱۸۸	باب ترک عمل برده‌فروشی	طهران	قرارنامه مابین ایران و انگلیس	۱۸۸۲

قرار نامه مابین ایران و انگلستان

«در باب ترک عمل برده‌فروشی»

در طهران به تاریخ دوم مارس ۱۸۸۲ امضاء شده در ژوئن ۱۸۸۲ مبادله گردید.

فهرست مندرجات:

فصل اول: در باب جهازات جنگی انگلیس و حقی که در معاینه سفاین تجارتی ایران دارند- عدم

تعرض در بعضی مواقع باشخاصیکه دارای تذکره دولتی هستند.

فصل دوم: حضور صاحبمنصبان انگلیس در موقع استنطاق سفاین محکومه و عیبدهائی که در آن

یافت شده است.

فصل سوم: در باب اشخاصیکه از راه دریا تجارت عبید می‌کنند. ترتیبات راجعه به عبیدهاییکه بعد از اجرای این قرار نامه به ایران وارد کرده‌اند.

فصل چهارم: ابطال قرارداد شهر اوت ۱۸۵۱.

بسم الله الرحمن الرحيم

چون اعلی‌حضرت شاهنشاه ایران و اعلی‌حضرت ملکه ممالک مجتمعه بریتانیای کبیر و ایرلند و امپراطریس هندوستان از صمیم قلب مایل هستند که در باب ترک عمل برده‌فروشی معاونت و همراهی کرده باشند؛ تصمیم عزم نمودند که برای حصول این مقصود قرارنامه‌ای منعقد شود. لهذا وکلای مختار خود را بتفصیل ذیل معین داشتند: از طرف اعلیحضرت ملکه ممالک مجتمعه بریتانیای کبیر و ایرلند و امپراطریس هندوستان، (رانالدفر کوزن تم‌سن اسکوایر) وزیر مختار و ایلچی مخصوص در دربار دولت علیه و از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه. مشارالیهما بعد از اینکه وکالتنامه‌های خود را مبادله کرده و شرایط صحت را در آن دریافتند؛ فصول زیر را منعقد داشتند:

فصل اول- محض منع حمل غلام و کنیز سیاه بمملکت ایران و جهازات سیار انگلیس (کروزو) ماذون خواهد بود که سفاین تجارتی را که تحت بیرق ایران یا متعلق باتباع ایران بوده و حامل غلام و کنیزند برای تفحص معاینه کرده و نگاهدارند و جهازات سیار انگلیسی همین حق را خواهند داشت در مورد سفاینی که بدلیل موجهه مضمونند که در همان مسافرت که تلاقی شده است، حامل عبید هستند یا اینکه عبید حمل کرده‌اند؛ اگر چنین عبیدی یافت شود سفاین تجارتی مزبوره با هرچه در آن است، برای رسیدگی نزد کارگزاران ایران به نزدیکترین محل حرکت داده خواهد شد. ولی اشخاصی که به زیارت مشرف شده و تذکره دولتی که به امضای بالیوز یا قنصل انگلیس رسیده، در دست داشته باشند، در موقع مراجعت مورد هیچگونه تعرض نخواهند بود. به شرط اینکه مومی الیهیم بیش از عده‌ای که در تذکره آنها قید است، غلام و کنیز همراه نداشته باشند و اگر عبید سیاه زیادتر بوده باشد، همین فقره دلیل واضحی بر اقدام در تجارت عبید محسوب خواهد شد.

فصل دوم- اگر سفینه تجارتی که دارای بیرق ایران است و گرفتار شده، برای تحقیق حمل به بندر ایران شود؛ باید صاحب منصب همان جهازی که سفینه را گرفتار کرده است، یا صاحب منصب دیگر دولت انگلستان که مامور به این امر باشد؛ در موقع تحقیق حضور بهم رساند. در صورتی که سفینه تجارتی که گرفتار شده است محکوم و فروخته شود، حاصل فروش آن متعلق به دولت علیه ایران بوده و عبیدی که در آن است، به مامورین دولت انگلستان تسلیم خواهد شد.

فصل سوم- اعلی حضرت شاهنشاه ایران قبول می فرمایند که هر تبعه ایرانی یا تبعه خارجه محکوم به محاکمات ایرانی که معلوم شود از راه دریا تجارت عبید می کنند، به طور سخت تنبیه نمایند؛ و نیز قبول می فرمایند که تمام غلام و کنیزهایی که بر خلاف قانون، یعنی بعد از امضای این قرارنامه، از راه دریا به مملکت ایران وارد کرده اند، آزاد کرده؛ و قسمی نمایند که امنیت فراهم و به طور صحیح با آنها رفتار شود.

فصل چهارم- این قرارنامه از اول ماه می سنه ۱۸۸۲ مجری خواهد بود و پس از برقراری و اجرای آن فصل هشتم عهدنامه چهارم مارس ۱۸۵۷ که در پاریس منعقد و به موجب فصل مزبور قرارداد سنه ۱۸۵۱ مابین انگلیس و ایران تجدید شده است، منسوخ و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. به استثناء هرگونه ترتیباتی که به موجب مدلول فصل فوق بعمل آمده، یا در دست اقدام است.

فصل پنجم- تصدیق نامجات این قرارنامه در ظرف پنج ماه و حتی الامکان زودتر در تهران مبادله خواهد شد.

در طهران مورخه ۲ ماه مارس سنه ۱۸۸۲ به چهار نسخه نگاشته شد

(امضاء) رانالد تم سن

(امضاء) میرزا سعید خان^۵

تحلیل محتوای عهدنامه

الف) از منظر تحلیل محتوای ظاهری

در ظاهر متن "نشانه‌هایی" وجود دارد که شایسته تدقیق بیشتری است که ذیلاً بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. متن قرار داد به دو زبان انگلیسی و فارسی نگاشته شده و در ظاهر در برابر هر ماده، ترجمه فارسی آن نگاشته شده است. اما با خوانش هر دو متن، تفاوت‌هایی در این دو متن به چشم می‌خورد. مثلاً در متن فارسی عناوین بومی برای شخصیت‌های ایرانی به خصوص ناصرالدین شاه استفاده شده، در حالی که متن انگلیسی، تشریفات را به جای نمی‌آورد و بدون ذکر القاب به سادگی از نام وی می‌گذرد. با وجود آنکه در فرهنگ انگلیسیان جایی برای تعارفات و القاب بی‌مسما ندارد، اما در هنگام ذکر نام ملکه این قبیل تشریفات و تعارفات به اوج می‌رسد. از دیدگاه "تحلیل محتوای ظاهری"، عنوان "عهدنامه لحنی دارد که نشان می‌دهد طرفین معاهده با یکدیگر برابر نیستند؛ چنانکه ناصرالدین شاه را فقط به عنوان شاهنشاه ایران یاد کرده در حالی که برای ملکه انگلستان عنوان "علیحضرت ملکه ممالک مجتمعه بریتانیای کبیر و ایرلند و امپراطریس هندوستان" را به کار برده است. به نظر می‌رسد که به قول دیلتای و شلایرماخر "نیت" مولف قرارداد آن است که لحن آمرانه بندهای بعدی را زمینه‌سازی و توجیه کند.
۲. بر خلاف رسم رایج در متون دوره قاجاریه که از دولت قاجار تحت عنوان "دولت علیه ایران" یاد می‌شد، در متن معاهده فقط به "ایران" بسنده شده، اما در هنگام ذکر نام انگلستان علاوه بر عنوان رسمی و کامل آن، یعنی بریتانیا عنوان "کبیر" و نام سایر متصرفاتش نیز آمده است: "ممالک مجتمعه بریتانیای کبیر و ایرلند و امپراطریس هندوستان" که نوعی تبعیض و نابرابری را در نوشتار نشان می‌دهد.
۳. در متن انگلیسی ابتدا نام ملکه انگلستان تقدّم داده شده، اما در متن فارسی نام شاه ایران آمده است. و این نوعی دورویی در ترجمه است.
۴. در متن انگلیسی، فصل دوم از گرفتار شدن "جهازات" تجاری ایرانی توسط کشتی‌های انگلیسی یاد شده است، اما در متن فارسی هیچ اشاره‌ای به گشت‌زنی کشتی‌های انگلیسی (در خلیج فارس) نکرده است. شاید دلیل این امر کاستن حساسیت! امضا کننده ایرانی قرارداد، و موردی و اتفاقی قلمداد کردن بررسی کشتی‌های ایرانی توسط ناوهای انگلیسی است. ظاهراً به قول فیلسوفان

زبان، "قصد و نیت" مولف قرارداد، آن بود که مانع مخالفت‌های احتمالی بر سر راه انعقاد قرارداد شود.

۵. در متن انگلیسی فصل سوم، سخن از "موافقت" شاه ایران با کیفر تاجران بوده است. اما در ترجمه فارسی آن این واژه چنین ترجمه شده است: "قبول می‌فرمایند". در همان فصل سوم در سطر دوم در متن فارسی، به جای فعل "موافقت می‌کنند" فعل فارسی "قبول می‌فرمایند" تکرار شده است. آشکار است که فعل "موافقت" به معنی نوعی توافق میان دو طرف برابر است. اما معنای درونی فعل "قبول کردن" نشان دهنده نوعی اجبار است که شاه ایران را به این امر کشانده است. در این مورد جالب است که لحن متن انگلیسی معتدل‌تر از متن فارسی است که لحنی آمرانه به خود گرفته است. این امر عدم مهارت یا شیطنت مترجم را نشان می‌دهد که نوع رابطه شاه ایران با ملکه انگلیس را نه به عنوان دو قدرت برابر یا دست کم مستقل، که شاه ایران را به عنوان قدرتی تابع یا مطیع نشان می‌دهد که از سرِ اکراه ناچار شده است که مفاد این قرار داد را "قبول" کند، یا به او قبولانده شده است.

۶. می‌توان از جنبه تحلیل محتوای ظاهری متن، سبک ادبی و نوشتاری این معاهده را سبکی ترجمه‌ای قلمداد کرد که با اصالت دادن به زبان انگلیسی به عنوان زبان مبداء و زبان اصلی در نگاشتن معاهدات، به پیش می‌رفت. بنابراین این معاهده دارای سبکی اروپامحورانه و در ادامه قراردادهایی چون ترکمانچای (۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ ه.ق) و گلستان (۱۸۱۳ م/ ۱۲۲۸ ه.ق) (به عنوان "پیشینه" در تحلیل محتوا) است.

۷. در فهرست مندرجات معاهد نامه حاکی از آن است که متن معاهده نامه در ۴ فصل تنظیم شده در صورتی که در عمل قرارنامه شامل ۵ فصل است. به نظر می‌رسد فصل پنجم به آن الحاق شده باشد.

۸. از نظر تعداد بسامد واژگانی

واژه	بسامد
ااااا	۴۴ بمر
بریتتیا	۲ بمر
حد	۱
بیرق	۲
بره	۱
عبید	۷
غغغ	۴
کنیز	۴
تنبیه	۱
زازز	۱
گگگتر (توقیف ففتی‌هه)	۳
قققون	۱
رررررریح)	۱
تنتیق	۲
امنیت	۱
فرور	۲
فرورته	۲
تنترت	۶
دریبه	۲
ممکوک	۲



چنانکه از جدول فوق بر می‌آید، کلمات خاصی دارای بسامد بیشتری نسبت به سایر واژه‌های به کار رفته در متن هستند. لذا به نظر می‌رسد که طبق روش تحلیل ظاهری محتوای متن، نیت و تاکید مولفانِ سندِ مورد بحث را نشان می‌دهد. مثلاً تاکید بر واژهٔ ایران (۱۴ بار) شاید نیت سلطه‌گری بر ایران را توسط مولفان انگلیسی متن، به بهانه مبارزه با برده‌داری را نشان می‌دهد. در حالی که بر خلاف تبلیغات و شعارها، مقوله‌هایی چون آزادی یا حقوق بردگان یا امنیت و قانون فقط مورد اشاره‌ای گذرا قرار گرفته‌اند. در عوض واژهٔ تجارت مورد تاکید بسیاری (۶ بار) قرار گرفته است که شاید نگاه سودگرایانه و نه انسانگرایانهٔ مولفان انگلیسی سند را نشان دهد.

ب) بررسی هریک از مفاد متن قرارداد منع برده‌داری از منظر تحلیل محتوای درونی

۱- از دیدگاه "تحلیل محتوای درونی" در فصل اول معاهده، انگلستان خود را صاحب "حق" (و نه اجازه!) می‌داند که کشتی‌های ایرانی را بازرسی کند و ظاهراً می‌توانست به هر دلیلی که آن را از نظر خود «موخه» می‌دانست به چنین کاری اقدام کند. از سوی دیگر حجاجی که دارای تذکره دولتی (گذرنامه ایرانی) بودند، تنها در صورتی مجاز به ورود به وطن خود بودند که تعداد بردگان مندرج در تذکره ایشان مورد تایید و امضای کنسول انگلیس می‌بود. به نظر می‌رسد که این نقض آشکار استقلال سیاسی داخلی و حاکمیت ملی دولت قاجار بود.

۲- در فصل اول در سطر چهارم آمده است که کشتی‌های انگلیسی حق بازرسی کشتی‌هایی با "بیرق" ایران را دارند. توضیح آنکه: دولت انگلستان در سال ۱۸۳۸ م. / ۱۲۵۴ ه.ق قرارداد «خط بازدارنده مورسبای» را با امام مسقط منعقد نمود که قراردادی بازرگانی با ۱۴ ماده بود و سه ماده نیز در خصوص تجارت برده در این قرارداد پیش‌بینی شده بود که ماده ۱۷ نیز سید سعید را ملزم می‌کرد، تا هر که را که در قلمروش مبادرت به خرید برده -جهت صادرات- می‌کرد، را گوشمالی دهد. او بایستی شناوری که با پرچم مسقط مرتکب حمل برده و صادرات آن به خارج از قلمرو سلطان می‌شد، مصادره می‌کرد. این ماده همچنین به کشتی‌های انگلستان مجوز مصادره جهازات مسقط و یا شناورهای حامل پرچم مسقط را می‌داد که برده حمل می‌کردند. حتی دادگاه انگلستان نیز این جهازات را خواه در دریا و خواه در موقع سوار کردن برده‌ها به دست نیروهای انگلیسی به دام می‌افتادند، را

محاكمه می‌کردند. اما با توجه به بحرانی که در روابط ایران و انگلستان بر سر مسئله هرات به وجود آمده بود و بحرانی که در روابط با محمد علی پاشا قریب‌الوقوع بود، زمان مناسب برای اجرای مفاد قرارداد نبود. (Miles, 1966, V.2, p.p.341- 342, 352)

از آنجا که دو دولت استعماری انگلستان و فرانسه همواره بر سر کسب منافع در رقابت بودند، دولت فرانسه در خلیج فارس تاجران برده را حمایت می‌کرد؛ چنانکه تاجران برای فریب دادن ماموران انگلیسی پرچم دولت فرانسه را بر فراز کشتی‌های خود می‌افراشتند (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۹۱). همچنین دولت فرانسه در مقابل انگلستان به طرفداری از نظام برده‌داری برخاست و اگر با تاجران درباره استعمال بیریق خود توصیه و سفارشی نمی‌کرد، از برافراشتن آن بر پرچم‌ها هم جلوگیری نمی‌کرد؛ تا در برابر سیاست انگلستان جبهه مخالف را تقویت کرده و بدین وسیله بر نفوذ سیاسی‌اش بیفزاید (نیازمند، ۱۳۳۰: ۱۴۹). در اوائل سال ۱۸۹۰ م. افراشتن پرچم فرانسه بر کشتی‌های متعلق به اهالی بنادر مسقط و صور عمومیت یافت و تفتیش آنها توسط کشتی‌های انگلیسی را غیر ممکن ساخت. سلطان ترکی پادشاه مسقط با علاقه‌ای که به همکاری با انگلستان داشت، از ترس فرانسه جرات جلوگیری از قاچاق برده به وسیله این جهازات را نداشت. (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۹۲)

۳- فصل اول، سطر دهم، آمده بود که «اگر چنین عیبی یافت شود...» توضیح آنکه: وظیفه مامورین منع تجارت برده، هرچند در ظاهر آسان به نظر می‌رسید، ولی در حقیقت بسیار سخت و دشوار بوده است. جهازات انگلیسی مامور جلوگیری از برده‌فروشی اقتدار و اختیار زیادی داشته‌اند، اما اغلب به زحمت می‌توانستند از اختیارات خود استفاده کرده و قدرت خویش را به کار برند. از جمله دستوراتی که برای توقیف جهازات حامل برده به صاحب منصبان انگلیسی داده شده بود، این بود که «اگر در ضمن تجسسات و تفتیشات خود یقین حاصل کردید که چیزی اشتغال به تجارت برده دارد و مشمول مقرراتی است که به شما ابلاغ شده است، می‌توانید آن را توقیف نمائید. ماخذ شما برای آنکه کشتی‌ها را مشغول به تجارت و حمل برده تشخیص دهید آن است که اولاً در کشتی غلام سیاه ببینید و ثانیاً اسباب و ادوات مربوط به اسیر کردن غلامان از قبیل دام شکاری و غل و زنجیر و امثال آن را در آن پیدا کنید».

(همان، ۱۹۶)

۴- در فصل اول قرار نامه، در سطر پایانی از امکان انجام تجارت برده در ضمن سفرهای حج سخن رفته است. توضیح و تحلیل اینکه: بردگان سیاه وارداتی به خلیج فارس دو نوع بودند؛ اول بردگان حبشی که آنان را از حبشه وارد می‌کردند. معمولاً قیمت بردگان وارداتی از حبشه دو برابر قیمت بردگان زنگی بود. (عیسوی، ۱۳۶۰: ۱۹۲-۱۹۱) دیگری بردگان سیاه زنگی افریقایی بودند که به بردگان "بمباسی" و "سیدی" هم مشهور بودند. (مارتین، ۱۸۸: ۱۳۹۰) اینان به دلیل بی‌رحمی، تنبلی و خیانت خریدارانی کمتری داشتند. اما بردگان نوبیایی و خصوصاً بردگان حبشی به دلیل خصوصیات چوین طبع ملایم، وفاداری، شجاعت و هوش، بازار گرمی داشتند. ایرانی‌ها آنان را به عنوان نوکرانی قابل اعتماد و امین خریداری می‌کردند. (شیل، ۱۳۹۶: ۲۱۳) بردگان حبشی در بازارهای عربستان یافت می‌شدند. برخی از افرادی که به آنجا سفر می‌کردند، بردگان حبشی را خریداری می‌کردند؛ چنانکه حاجیانی که از ایران به مکه به قصد زیارت می‌رفتند، معمولاً غلامان خود را به همراه می‌بردند (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۲۹) و در راه بازگشت غلامانی حبشی از آنجا خریداری می‌کردند. (کلی، ۱۳۸۰، ۴۸)

۵- در فصل دوم، در سطر نهم از مصادره کشتی‌های ضبط شده برده فروش به دولت ایران سخن رفته است. در باب تصدی‌گری دولت ایران در تجارت بردگان سیاه می‌توان چنین تفسیر کرد که دولت ایران همواره تلاش می‌کرد تا از تاجران خود و منافع ملی ایران در برابر دولت انگلستان دفاع کند؛ چنانکه امیرکبیر صدراعظم ایران در جواب نامه درخواستی ماموری به نام شیل مبنی بر برخورد با تاجران و کشتی‌های حامل برده سیاه چنین متذکر شد: «... از دلایل دوستی ما با دولت انگلستان، امضای قرار شاهنشاه مغفور (محمدشاه) است که تبعه این دولت از راه دریا، سیاه حمل نمایند. مجدداً به حکام فارس و خوزستان فرامینی مطاعه صادر خواهد شد که تبعه دولت علیه از راه دریا سیاه نیاورند، اما علاوه از آنچه شاهنشاه مغفور در باب نیاوردن سیاه‌ها از راه دریا قرار داد، صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم و برای خود مضر می‌دانیم» (علیپور، ۱۳۹۲: ۷۹) دولت انگلستان تلاش می‌کرد تا کشتی‌هایی را که در تجارت برده در بنادر شمالی خلیج فارس فعال بودند، ضبط کند. زیرا تمامی شیوخ عرب و دولت روم (عثمانی) این اجازه را به دولت انگلستان داده بودند. اما شاه ایران و صدراعظم، چون این امر را همان طور که پیشتر آمد به ضرر منافع ملی می‌دانستند، نمی‌پذیرفتند. در نهایت دولت انگلستان خواستار

شد تا کشتی‌هایی که حمل برده می‌کنند یا مشکوک به حمل برده هستند، بازرسی و معطل کنند و آنها را به هر بندر و یا در نزد هر کارگزاری که دولت ایران معین نماید، تحویل دهند. (همان، ۱۰۷)

سفیر انگلستان همچنین برای جلب رضایت امیرکبیر مبنی بر آرامش تجار، و برای برطرف کردن شک دولت ایران در وارد نشدن خسارت به تاجران ایرانی، «مراسله ملفوفه اعلام نامه از اکثر تجار بوشهر که در تجارت خارجه داد و ستد دارند و بلدیت و شهادت آنان کافی است... در آن ملفوفه اقرار و واضح می‌کنند که چنین بازدید ضرر و نقصی از برای تجارت ایرانی ندارد». (همان، 130)

۶- در فصل دوم در پاراگراف دوم سخن از این است که کشتی‌های متخلف حامل برده به نفع دولت ایران به فروش رفته و بردگانی که با آنها حمل می‌شدند، به دولت انگلیس تحویل داده شوند. از این مطلب چنین استنباط می‌شود که دولت انگلستان خود را صاحب اختیار بردگان می‌دانست. زیرا حتی سخن از این نیست که دولت ایران یا دولت ثالثی بردگان را به وطن خود بازگرداند. جالب است که گرچه ظاهر مطلب سخن از آزادی بردگان و منع تجارت برده می‌گوید، اما نسبت به سرنوشت غایبی بردگان مذکور سخنی نگفته است که در نهایت چگونه به وطن خود باز می‌گردند. از این شواهد به روش تحلیل محتوا می‌توان به "چرایی پیام" نزدیک شد که تداوم سلطه انگلستان بر اقیانوس هند، "نیّت" اصلی از این قبیل پیام‌ها و اسناد بوده است؛ خصوصاً که تا سال ۱۸۸۹ م. مرسوم بود که کلیه غلامان آزاد شده را به بمبئی می‌فرستادند؛ مگر کسانی را که خود تمایل به ماندن در خلیج فارس داشتند. اما ارسال آنان به بمبئی نهایتاً موجب اعتراض حاکم آنجا شد؛ زیرا سیاهان در آنجا باعث اختلال می‌شدند، بنابراین آنان به افریقای شرقی اعزام شدند و سلطان دولت زنگبار با این امر موافقت کرد و غلامان آزاد شده پس از از عزیمت از خلیج فارس در نخلستان‌های سلطان مشغول به امر کشاورزی می‌شدند. (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۹۷)

۷- در فصل سوم در سطر پنجم، در باب تنبیه تاجران دریایی برده چنین آمده است: تفسیر آنکه در سال ۱۲۶۸ ه.ق / ۱۸۵۱ م. طبق توافق امیرکبیر و دولت انگلستان، آنان اختیار یافتند تا چهارزات ایرانی حامل برده را توقیف و به طور موقت بازداشت کنند. اما مسئولیت تنبیه متخلفین با دولت ایران بود. همچنین مطابق بخشی از توافق، دفتر کمیسیونر برده‌ها تاسیس شد. میرزا محمود خان به عنوان

کمیسیونر منصوب و مسئولیتش بازرسی کشتی‌ها به همراه مامور انگلیسی و چگونگی تنبیه متخلفین شد. قرار بر این شد که متخلفین در دفعه اول محکوم به ۲۰۰ ضربه شلاق و جریمه‌ای نقدی به مقدار دو برابر ارزش برده‌ها. برای بار دوم علاوه بر جریمه‌های گفته شده، شناور متخلف برای ۶ ماه توقیف می‌شد و نهایتاً برای بار سوم علاوه بر تمامی جریمه‌ها، شناور متخلف مصادره می‌شد. (مارتین، ۱۳۹۰، ۲۰۰-۱۹۹)

۸- در انتهای پاراگراف دوم در همان فصل، انگلستان قرارداد منع تجارت برده را به مثابه قانون دانسته و تجارت برده توسط ایران را "برخلاف قانون" و ظاهراً خود را مجری قانونی با ظاهری چنین انسان دوستانه معرفی کرده، از دولت ایران تضمین گرفته است که بردگان را آزاد کرده، با آنان رفتار درستی داشته باشد.

۹- در انتهای فصل سوم معاهده انگلستان خود را مدافع رفتار صحیح با بردگان معرفی کرده و در این باب از دولت علیه ایران تعهد گرفته است. اما بنا به نقل منابع و سفرنامه‌ها شرایط بردگان در ایران از سرزمین اجدادیشان به مراتب بهتر بوده است؛ چنانکه بدرفتاری با برده سند آزادی او را تضمین می‌کرد. در این صورت مالک دیگر حق تملک برده را نداشت و یا باید آن را آزاد می‌کرد؛ یا به فرد دیگری می‌فروخت. در مجموع صاحبان برده، برده‌ها را مورد خرید و فروش قرار نمی‌دادند؛ مگر در شرایط سخت و دشوار و یا در صورت عبوسی و بداخلاقی برده، در این شرایط پیدا کردن کار برای برده دشوار می‌شد. اما کنیزانی که با اربابانشان همبستر می‌شدند، اربابان به خاطر حفظ شرف و حیثیت خود آنان را نگه می‌داشتند. البته برده‌ها در ایران از آنجا که شرایط آب و هوایی برایشان مساعد نبود، در جوانی بر اثر بیماری‌هایی چون سل و خنازیر جان می‌باختند. سن تعداد اندکی از آنان به بیش از سی سال می‌رسید. معمولاً در هر شهری تنها حدود ده نفر برده سیاه وجود داشت که بزرگسال بودند. (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۷۴-۱۷۳) همچنین طبق قانون اسلام اربابان نیز وظایفی در قبال برده داشتند؛ چنانکه آنان باید خوراک و پوشاک او را تهیه می‌کردند و تا هنگام مرگ از وی مراقبت می‌کردند. برده در واقع جزئی از خانواده ارباب محسوب می‌شدند. در مجموع شرایط زندگی برای آنان مساعدتر از سرزمین خودشان بود. (پاتینجر، ۱۳۸۴: ۶۶)

۱۰- در انتهای فصل چهارم در باب منسوخ شدن قراردادهای قبلی سخن رفته است. تفسیر آنکه: در سال ۱۸۴۸ م. شاه ایران (محمد شاه)، در اثر اقدامات نماینده سیاسی انگلیس مقیم طهران، فرمانی را صادر کرد و به موجب آن ورود و صدور برده را در خاک ایران از راه دریا ممنوع کرد؛ اما فرمانی در خصوص منع تجارت برده از راه خشکی نداد. برای اجرای این فرمان در سال ۱۸۵۱ م. قراردادی به مدت یازده سال بین دولت ایران و انگلیس منعقد شد و به کشتی‌های جنگی انگلیس اجازه داده شد که تجهیزات تجاری ایران را تفتیش کنند، و به حمل و نقل غلامان افریقائی مبادرت نورزند. ولی شرط شد که تفتیش تجهیزات مظنون با حضور مامورین رسمی ایران به عمل بیاید. اگر در تجهیزاتی برده سیاه یافت می‌شد، او را به مامورین انگلیس تحویل داده و کشتی تسلیم دولت ایران شود. همچنین مقرر شد که بردگانی که از مامورین ایران در بوشهر تذکره می‌گیرند در موقع مسافرت دریا آزاد باشند و کسی متعرض آنان نشود. قرارداد مذکور پس از خاتمه جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۶ م. مجدداً در حین انعقاد صلح مملکتین در پاریس به مدت ده سال تمدید شد تا در سال ۱۸۸۲ م. که معاهده دیگری در تهران منعقد شد. (ویلسون، ۱۳۱۰، ۱۸۸)

۱۱- در فصل پنجم مدت زمان "تصدیق نامجات" (موافقت نامه) مبادله این قرار نامه پنج‌ماه یا حتی زودتر تعیین شده و نشان از عجله دولت انگلستان برای امضای آن دارد. به نظر می‌رسد که تعیین این مدت احتمالاً به این منظور بود که متن موافقت نامه‌ها ابتدا به امضای ملکه انگلستان در لندن برسد و سپس به تهران آورده شود تا به امضای شاه ایران برسد.

نتایج پژوهش

آنچه از تحقیق فوق بر می‌آید آن است که بر اساس پیشینه متن و تحلیل صورت گرفته از سند لغو بردگی به تاریخ ۱۸۲۲ میلادی، دولت انگلستان بر اساس حس انسان دوستی اقدام به لغو تجارت برده در منطقه خلیج فارس (بنادر جنوبی عمان و مسقط) و قلمرو عثمانی و ایران (بنادر شمالی خلیج فارس چون بندر بوشهر و محمره) نکرده بود، بلکه به دنبال اهداف استعمارگرانه بوده است؛ چنانکه در آن دوران رقابت‌های سیاسی سختی میان انگلستان و فرانسه در اروپا برپا بود و این رقابت‌ها به

مستعمرات آنان از قبیل مصر و هند کشیده شده بود. در این میان خلیج فارس اهمیت سوق‌الجیشی فراوانی برای هر دو دولت یافت؛ چنانکه ناپلئون درصدد بود از طریق خلیج فارس (کلید بازرگانی هندوستان) به هندوستان، سرزمین ثروتمند و مستعمره انگلستان برسد. بنابراین هر دو دولت تلاش می‌کردند برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس به دربار ایران و دولت‌های عرب نشین خلیج فارس نزدیک شوند. دولت انگلستان تمام تلاش خود را به کار بست تا ضمن تسلط بر خلیج فارس، فرانسویان را از آنجا خارج کند. با توجه به زمینه‌های فکری و فرهنگی به وجود آمده از منشور کبیر و عصر انقلاب کبیر فرانسه و نظریه‌پردازی متفکرین اقتصادی (از قبیل آدام اسمیت) و اجتماعی (ویلیام پیت) و فرهنگی (هریت بیچراستو) در باب لزوم منع برده‌داری، یکی از بهترین دلایل برای قانونی جلوه دادن اقداماتش تلاش برای لغو تجارت برده بود. انگلستان برای این منظور ابتدا با دولت بوسعیدیان مسقط و عمان وارد مذاکره شد و با آنان قراردادهایی در این باب امضا کرد و سپس با دولت عثمانی وارد مذاکره شد و حتی حق بازرسی کشتی‌های بومی منطقه را به دست آورد و شناورهای جنگی خود را به منطقه آورد و بر آبهای خلیج فارس مسلط شد. اما برای تسلط کامل باید نظر پادشاه ایران را نیز جلب می‌کرد. انگلستان نهایتاً به دربار ایران نزدیک و فرانسویان را از دربار ایران راند. اما فرانسویان نیز در خلیج فارس اقداماتی کردند، نظیر اینکه برای مبارزه با انگلستان به گونه‌ای تاجران برده را حمایت می‌کردند تا برای انگلستان ایجاد زحمت کنند؛ چنانکه کشتی‌های بومی خلیج فارس با پرچم فرانسه اقدام به تجارت برده می‌کردند. بنابراین در راستای اثبات فرضیه تحقیق حاضر، از شواهد چنین استنباط می‌شود که دولت استعماری انگلستان بیشتر به منافع تجاری و سیاسی خود توجه داشته است و طبق تحلیل ظاهری و محتوایی سند مورد بحث خود را صاحب بردگان می‌دانسته است. بنابراین، این سند را باید از جمله اسناد و امتیازات استعماری انگلیس از ایران برشمرد. چنانکه از تحلیل محتوای هر مورد از مفاد عهدنامه مورد بحث برمی‌آید، یکی از اصلی‌ترین اهداف پشت این موافقت‌نامه، سلطه بریتانیا بر راه‌های دریایی خلیج فارس و دریا‌های منتهی به نیمه غربی اقیانوس هند بوده است. چنانکه حق بازرسی کشتیها و تعیین تابعیت پرچم نصب شده بر هریک را برای خود کسب کرد.

پیوست :

^۱ - روش تحلیل محتوا، مستقل از سایر روش‌های تحقیق، اختصاص به علوم ارتباطات دارد. در این رشته نیز، روش تحلیل محتوا، بیشتر در تجزیه و تحلیل مطبوعات کاربرد دارد و سایر وسایل ارتباط جمعی، به ویژه رادیو- تلویزیون را در بر نمی‌گیرد. در سایر رشته‌های علوم اجتماعی، حتی جامعه‌شناسی، این روش در کنار سایر روش‌های تحقیق تدریس می‌شود. این روش به طور گسترده در بیشتر رشته‌های علوم اجتماعی، در شناخت و تجزیه و تحلیل ارتباطات استفاده می‌شود. (ر.ک: طاهری، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۶)

^۲ - بر مبنای آن چه این اسناد می‌گویند (و گاهی به اشاره می‌گویند) سند همواره زبان صدایی به شمار آمده که اکنون به سکوت وادار شده است (رد و اثر ضعیف اما خوشبختانه خوانای صدا). در این روش، تاریخ موضوع‌اش را نسبت به سند تغییر می‌دهد؛ تاویل سند و تعیین صدق و ارزش بیانی آن دیگر اولویت تاریخ نیست بلکه اولویت را بر کارکردن روی سند از درون و پردازش آن قرار می‌دهد؛ تاریخ سند را مرتب می‌کند آن را برش بندی می‌کند، نظم می‌بخشد، آن را به سطوح تقسیم می‌کند، سلسله‌ها را مستقر می‌کند و تمایزی می‌کشد میان آنچه به جاست و آنچه نایجاست، عناصر را شناسایی می‌کند، واحدها را تعریف می‌کند، روابط را توصیف می‌کند. پس سند برای تاریخ، دیگر آن ماده بی‌حرکتی نیست و تاریخ از طریق آن می‌کوشد بازسازی کند آنچه را آدمیان انجام داده یا گفته‌اند، آنچه را گذشته است و فقط رد و اثر آن مانده است. تاریخ در پی آن است که در خود بافت مستند، واحدها، مجموعه‌ها، سلسله‌ها و نسبت‌ها را تعریف کند. (فوکو، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۴) بنابراین تاریخ جدید با شماری از مسائل روش شناختی مواجه می‌شود که اکنون مجموعه آنها مشخصه تاریخ جدید است: برساختن مجموعه‌ای منسجم و همگن از اسناد، تعیین یک اصل انتخابی، تعریف سطح تحلیل و عناصر مناسب برای آن (می‌توان اطلاعات کمی را در ماده مورد مطالعه مشخص کرد، ارجاع‌های صریح یا غیر صریح به رویدادها، به نهادها، به کردارها، کلمات به کار رفته به همراه قواعد کاربردشان و حوزه‌های معنایی‌ای که نمودار می‌کنند، همچنین ساختار صوری قضایا و انواع زنجیره‌هایی که آنها را به هم پیوند می‌دهد. تعیین یک روش تحلیل (پردازش کمی داده‌ها، تجزیه بر اساس شماری از ویژگی‌های قابل تخصیص که همبستگی‌شان را مطالعه می‌کنیم، رمزگشایی تاویلی، تحلیل فراوانی‌ها و توزیع‌ها)، حدگذاری مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌هایی که ماده مورد مطالعه را فصل بندی می‌کنند (مناطق، دوره‌ها، فرایندهای یکپارچه)، تعیین روابطی که امکان ویژگی شماری یک مجموعه را می‌دهند (ممکن است روابط عدی یا منطقی، روابط کارکردی، علی یا قیاسی مورد نظر باشد، ممکن است رابطه دال با مدلول مورد نظر باشد). (فوکو، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰) تحلیل محتوا فن پژوهش عینی، اصولی و کمی در محتوای ارتباطات به منظور تفسیر آن است. (مزون نوو: ۱۳۵۴: ۸) در این سند به روش تحلیل محتوا ابتدا به پیشینه پیام و سپس به ویژگی‌های شخصیت‌های موثر در نگارش متن (سند) و نهایتاً به اثرها و چرایی پیام بر مخاطبان پرداخته می‌شود.

^۳ - در سال ۱۸۵۲ م. هریت بیچراستو کتابی تحت عنوان "کلبه عمو توم" درباره شرایط رقت بار زندگی بردگان نوشت. این کتاب با تیراژ زیادی در آمریکا و انگلستان به فروش رفت و یکسال بعد از انتشار کتاب، وی در میتینگ‌های ضد برده‌داری در انگلستان شرکت می‌کرد. در واقع عموتم داستان زندگی مردی سیاه پوست به نام هنسون است که هنگامی که صاحبش قصد فروشش را داشت، مقاومتی از خود نشان نمی‌داد و سرنوشت خود را پذیرفته بود و تنها برای اربابش از خداوند طلب آموزش می‌کرد. (ر.ک بیچراستو، ۱۳۴۴، و منتفیلد، ۱۳۵۷، ۹۲)

^۴ - امارت قواسم قدیمی‌ترین امارت‌های عربی در منطقه میان کویت تا مسقط بوده است. آنان در دریانوردی نقش مهمی داشته‌اند. آنان دولتی دریایی تاسیس کرده بودند که حدود هفتاد فروند کشتی بزرگ و هشتصد فروند کشتی کوچک بود و جمعیت افراشد بالغ بر هزاران نفر بود. قواسم با سران دیگر قبایل عرب خلیج فارس اتحاد بسته بودند و پرچمی سه رنگ (سبز، سفید و سرخ) تشکیل داده بودند که شامل رنگ تمام پرچم‌های قبایل بود. بنابراین قواسم بر تمامی کشتی‌ها نظارت داشت. «از سوی دیگر دولت

انگلستان تاب دیدن هیچ جنگجویی بر ساحل را نداشت مگر اینکه زیر پرچم خودشان بودند» (مطوع، ۱۳۹۷: ۶۱-۷۸) شاید به دلیل نفوذ قواسم بر دریانوردی دولت انگلستان با آنان قرارداد صلح عمومی را با آنان امضاء کرده است.

^۵ - (دفترچه مجموعه اسناد منتشر نشده دوزبانه قراردادهای تاریخی ایران)

Motamen – ol- Molk (1908), Recueil des Traites de l'empire Persan avec les peys etrangers(M.S)Iranian national Archive, No.296/23719

البته این قرارنامه را یدالله نیازمند در کتاب خود تحت عنوان تاریخ بردگی بازنویسی کرده‌اند اما همچگونه رفتاری در این باب نداده است و هیچگونه تحلیلی با نظری در این مورد نداده است. نیازمند، ۱۳۳۰، صص ۱۴۸ - ۱۴۶

^۶ - بنگرید به عبارات بعد از بسم الله الرحمن الرحيم.

منابع و مطالعات

- ابراهیمی، آمنه، (۱۳۸۷)، مواضع اولیه ایران و انگلیس در برابر مسئله لغو تجارت برده در خلیج فارس (دوران محمد شاه قاجار ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ قمری)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۴، صص ۷۴-۹۵.
- استو، هریت بیچر، (۱۳۴۴)، کلبه عموتم، ترجمه منیر جزنی، چاپ هفتم، کتاب‌های پرستو.
- پاتینجر، هنری، (۱۳۸۴)، سفرنامه پاتینجر، ترجمه شاپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا
- پولاک، ادوارد، (۱۳۶۱)، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تفضلی، فریدون، (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نی.
- ژیان پور، حمید، (۱۳۹۴)، فصلنامه گنجینه اسناد، «بررسی اسناد کمک‌های مالی آستان قدس رضوی به زائران ایرانی در دوره قاجار با استفاده از روش تحلیل محتوا بازه زمانی (۱۲۶۴ تا پایان ۱۳۰۰ ق)»، سال بیستم و پنجم، دفتر چهارم، صص ۷۸-۹۶.
- شاهسوارانی، وحید، و مرتضایی، محمد، (۱۳۹۵)، «نقش خلیج فارس در تجارت برده و برده فروشی در دوره قاجار (با تکیه بر منابع و اسناد مکتوب)»، همایش ملی خلیج فارس.
- شیمیل، آنه‌ماری، (۱۳۹۶)، خاطرات ماری شیل، ترجمه سعید فیروز آبادی، تهران: افکار.
- صادقی، حمید و معصومه حسینی، (۱۳۹۴)، «دغدغه‌های انسانی یا تلاش در جهت بسط نفوذ سیاسی؛ نگرشی بر تلاش‌های انگلستان در جهت مبارزه با برده داری در خلیج فارس»، پژوهش در تاریخ، شماره ۱۵، تهران: ۴۹-۶۶.
- طاهری، روح انگیز و عبدالکریم محمد، (۱۳۸۸)، «روش تحلیل محتوا»، ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۵۷-۵۶.
- طباطبایی، غلامرضا، (۱۳۷۳)، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، تهران: دکتر محمود افشار.
- عضدالملک، علیرضا، (۱۳۷۰ ش)، سفرنامه عضدالملک به عتبات، مصحح: حسن مرسلوند، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

- علیپور، نرگس، (۱۳۹۰)، اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- علیپور، نرگس، (۱۳۹۸)، «نگاهی به تجارت غلامان و کنیزان افریقایی در عصر قاجار»، تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، تهران: ۹۹-۱۲۴.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فوکو، میشل، (۱۳۷۹)، دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قاسمیان، سلمان، (۱۳۹۱)، «انگلستان و اهداف او از منع تجارت برده در خلیج فارس»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال نهم، شماره ۳۲، تهران: صص ۶۵-۸۸.
- کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، چاپ: پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلی، جی. بی. (۱۳۸۰)، اعراب و تجارت برده در دریای پارس، ترجمه حسن زنگنه، شیراز، نوید.
- لانژه، موریس، (۱۳۴۱)، بردگی، ترجمه حبیب‌الله فضل‌اللهی، تهران: سازمان نشر فرهنگ اسلامی.
- مارتین، ونسا، (۱۳۹۰)، عهد قاجار: مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر ماهی.
- مانفیلد، آن، (۱۳۵۷)، تجارت برده، ترجمه محمود فلکی مقدم، انتشارات شاهرضا.
- مروتی، زهرا، (۱۳۸۹)، «منع تجارت برده در خلیج فارس عصر ناصری»، رشد آموزش تاریخ، دوره دوازدهم، شماره ۱، پاییز، صص ۴۳-۳۸.
- مزون نوو، ژان، (۱۳۵۴)، «فن تحلیل محتوا». ترجمه نیک‌چهره محسنی، مجله دانشکده (تهران). شماره ۲، صص ۸-۱۹.
- مطوع، عبدالله بن صالح، (۱۳۹۷). جواهر و لئالی در تاریخ عمان شمالی. ترجمه مسلم زارع مطلق و غلامرضا زائری، گرگان: انتشارات نوروزی.
- نیازمند، یدالله، (۱۳۳۰)، تاریخ بردگی، تهران: چاپخانه نقش جهان.
- ویلسون، آرنولد تالبوت، (۱۳۱۰) مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی خلیج فارس از قدیم‌ترین ازمه تا اوایل قرن بیستم، ترجمه محمد سعیدی، تهران:

Motamen – ol- Molk (1908), *Recueil des Traités de l'empire Persan avec les peys étrangers* (M.S) Iranian national Archive, No.296/23719

Miles. S. B. (1966) *the countries and tribes of the Persian Gulf*, London: Frank Cass.